



بررسی الگوهای پیشرفت در هنر دینی

هزاران سال است که فلاسفه و نظریه‌پردازان و اهل ادب و هنر، در تعریف هنر و معنای آن به زعم خویش چه سخن‌ها که نگفته و چه تعاریف که بر برگ‌های این کتاب قطور نیفزوده‌اند و افسوس که هنوز نیز بیش از پیش انسان این عصر، سرگشته و حیران و گم کرده معانی، در حسرت یک کلام جادویی، یک راه درست و بی‌راهزن، طی طریق می‌کند.

هزاران سال است که فلاسفه و نظریه‌پردازان و اهل ادب و هنر، در تعریف هنر و معنای آن به زعم خویش چه سخن‌ها که نگفته و چه تعاریف که بر برگ‌های این کتاب قطور نیفزوده‌اند و افسوس که هنوز نیز بیش از پیش انسان این عصر، سرگشته و حیران و گم کرده معانی، در حسرت یک کلام جادویی، یک راه درست و بی‌راهزن، طی طریق می‌کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، موضوع مورد بررسی در این مقاله در حقیقت هنرمند دین‌دار و هنر عجین‌شده با اندیشه و تفکر دینی است. در عصر حاضر، با توجه به سست شدن بنیان عقاید دینی در هنر و فروپاشی و از هم گسیختگی بسیاری که خواه‌ناخواه در اکثر رشته‌های هنری رسوخ روزافزون پیدا می‌کند، پرداختن پیرامون مسائل دینی و تبیین الگوهای جهت روشن ساختن افق‌های پیش روی هنرمند مسلمان امری لازم و ضروری است. بررسی باید‌ها و نبایدها در این حیطه‌ی اثرگذار، تأثیرات اجتماعی و فرهنگی فراوانی را به دنبال دارد که به مثابه گذرگاهی بر سر راه هنر ایفای نقش می‌کند و راه را برای هنرمندان متعهد و متعهدین آشنا به هنر روشن می‌سازد. در واقع این مهم‌ترین رسالت هنر دینی است.

هنر فعالیتی است که زیبایی را نمودار می‌سازد و سعی دارد آن را در درون انسان وارد سازد و رغبتی در ما پدید آورد که حاصل آن عروج روح، احیای عواطف و تلطیف روان خواهد بود، تا در سایه‌ی آن فضایل اخلاقی تثبیت و پستی‌ها و رذایل ریشه‌کن شوند. بر این اساس، کار هنر دینی از یک سو پاسداری ارزش‌های انسانی، ارتباط و انتقال مبانی زیبایی و زشتی و درست و نادرست است و از سوی دیگر رسوخ دادن مبانی فکری در ذهن، پروراندن اندیشه و آشکار ساختن حقایق درونی و تفسیر از طبیعت از طریق آثار حسی. نتیجه آن است که هر چه هنر بیشتر بتواند عامل آگاهی و عرفان و علم انسان و به خود آمدن وی گردد، بیشتر او را از حسیض خاک بر کنده و به اوج معنویت خواهد رساند؛ اوجی که در نظر ظاهر بینان، فراموشی (دنیا) است.

«برخلاف آنچه بسیاری پژوهشگران در باب زیبایی و هنر در تفکر اسلامی می‌گویند، نوعی تفکر و معرفت به زیبایی در اسلام وجود دارد که البته با آنچه در عالم غرب از قرن هجدهم تحت عنوان «Aesthetics» رایج شد، تفاوت اصولی دارد. مبادی هنر و زیبایی در اسلام کاملاً عرفانی و تابع نگرش معنوی مسلمین به حقیقت، هستی، آدم و عالم است. از این رو فقط با ورود به عرفان اسلامی و انس با آن می‌توان درکش کرد»¹. با این دیدگاه، مقوله‌ی هنر در یک جامعه‌ی دینی از مؤثرترین و بهترین ابزارها جهت ارائه‌ی حقایق و معارف دینی به شمار می‌آید. هنر می‌تواند زبانی برای رساندن حقایق دین باشد؛ آن جا که زبان‌ها قدرت نداشته باشند و از وصف کردن ارزش‌ها و فهماندن آن‌ها و جای گیر کردن آن‌ها به ژرفای وجود انسان عاجزند. در عصری که آکنده از پیام‌های تبلیغی است، پیام‌ها یا تبلیغات دینی به ویژه در کشورهای که بر دین‌داری تأکید می‌ورزند، به وفور دیده می‌شود. در این راستا هنر دینی، با توجه به زبان ارتباطی خاص خود چنان‌چه به درستی مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند بهترین وسیله و عامل برای تبلیغ و اشاعه‌ی دین باشد.

اصل مقاله را اینک با هم می‌خوانیم:

چیستی هنر دینی

«نسبت دین و هنر مانند نسبت دین و زندگی است. زیرا هنر قسمتی از زندگی است، همان طور که دین برای زندگی ارزش قائل است، برای هنر نیز ارزش قائل است. هنر، جزئی از زندگی است. در زندگی انسان از نظر قرآن کارها به شایسته‌ها و ناشایسته‌ها تقسیم می‌شوند (عمل صالح و عمل ناصالح) پس هنر نیز می‌تواند صالح و غیر صالح باشد»²

«مسئله‌ی هنر و هنرمند، هم ظریف است و هم بسیار حساس و دقیق؛ و مرزهای دشواری در این زمینه وجود دارد. هنرمند با همان روح هنری، ظرایف و دقایقی را در می‌یابد که بسیاری از آن‌ها ذاتی بوده و از قریحه و استعداد درونی‌اش سرچشمه می‌گیرند. برخی بر این باورند که هنر یعنی آنچه بر پایه‌ی تخیل آزاد انسان است و متعهد یعنی زنجیرشده، این دو چگونه با هم سازگارند؟ هنرمند هم در زمینه‌ی قالب هنر خویش و هم در برابر محتوا تعهد دارد. در هنر دینی تمامی اثر باید لبریز از خلاقیت هنری، مضمون عالی و تعالی‌بخش، پیش‌برنده و فضیلت‌ساز باشد. بنابراین، واژه‌ی هنر متعهد، واژه‌ی درستی است. دغدغه‌ی اصلی این است که نباید به بهانه‌ی آزادی تخیل یا آزادی هنری، فضیلت‌سوزی و هتک اخلاق بر پا کنیم. هنر دینی آن نیست که حتماً یک داستان دینی را به تصویر بکشیم یا یک مقوله‌ی دینی را بررسی کنیم، بلکه هنر دینی آن است که بتواند آموزه‌هایی را که همه‌ی ادیان و بیش از همه، دین اسلام به نشر آن‌ها همت گماشته‌اند نشر دهد و جاودانه سازد؛ اگر چه هیچ اسمی از دین و هیچ آیه و روایتی در برنامه و یا نمادی از دین در آن وجود نداشته باشد. آنچه در هنر دینی بیش از همه مورد توجه است اینکه این هنر، در خدمت شهوت، خشونت، ابتذال و استحاله‌ی هویت انسان و جامعه نباشد. بنابراین، هنر دینی آرمان‌گراست»³.

ویژگی‌های هنر دینی

در مباحث جاری هنر، تعبیرهایی مثل هنر سنتی، هنر مقدس، هنر دینی یا حتی هنر اسلامی، هنر مسیحی و غیره را فراوان

می‌خوانیم و می‌شنویم. اما درست آن است که پیش از هرگونه داوری و سخنی در این باب، به تنقیح و وضوح بخشیدن به مفهوم هنر دینی بپردازیم

- هنر دینی یعنی چه؟

- ملاک دینی بودن هنر چیست؟

- آیا سرزمین و جغرافیای تولد آن هنر است که آن را دینی می‌سازد یا جهان‌بینی شخص هنرمند و نوع و نحوه‌ی نگرش او است که معیار دینی بودن یا نبودن هنر می‌شود؟ یا ساختار اثر هنری و ویژگی‌های آن است که موجب دینی بودن یا غیر دینی بودن هنر می‌شود؟

- آیا معیار دینی بودن هنر، وابسته به مراحل و فرایند تکوین آن و شیوه‌ی پدید آمدنش است؟ یا این که دینی بودن یا نبودن هنر مربوط و منوط به هیچ یک از عناصر و عوامل یاد شده نیست، بلکه تابع نحوه‌ی نگرش و افق فکری و قرائتی است که مخاطب یا مخاطبان از آن دارند؟⁴.

«رودولف اتو» از پیشگامان پدیده‌شناسی دین در کتاب معروفش به نام «مفهوم امر قدسی» که شهرتی جهانی و بی‌همتا دارد، معتقد است که همه‌ی آدمیان در عمق ضمیرشان گرایش به چنین حقیقت متعالی و ماورایی و نامتناهی دارند که قابل وصف و بیان نیست ولی عمیقاً احساس می‌شود و الهام بخش همه‌ی افعال آنان است. وی این کشش درونی را «نیروی شهود الوهی» می‌نامد که نوعی حس غیب‌شناسی و قوه و غریزه‌ی خداجویی است. «اتو» معتقد است این گرایش نهانی در آثار و افعال و باورها و شیوه‌ی زندگی آدمی تجلی می‌یابد و از این جا است که مظاهر دینی پدید می‌آیند، خواه در قالب سروده‌های دینی و موسیقی و شعرسرایی باشد یا در قالب معماری، نمایش و دیگر هنرهای دینی متجلی شود⁵.

حجت الاسلام مظفر سالاری نویسنده و پژوهشگر هنر دینی در این خصوص معتقد است: «من هنر را به دینی و غیردینی تقسیم نمی‌کنم، بلکه هنرمند را به متدین و غیرمتدین تقسیم می‌کنم. به نظر من هر چه را یک انسان خدامحور و متدین بیافریند، دینی است. یعنی هنر دینی از نظر من دارای «روح دینی» است، هر چند درون مایه‌ای دینی هم نداشته باشد. روح یک اثر هنری مثل عطر یک گل است؛ هست، اما نمی‌توان با انگشت نشان داد. این ناب‌ترین حالت هنر دینی است که تأثیرش از نمونه‌های دیگر مثل داستان‌هایی که درون‌مایه و یا دستمایه‌ی دینی یا سیاسی و یا اخلاقی شان را داد می‌زنند، بیشتر است»⁵.

آیت الله جوادی آملی در تعریف هنر دینی چنین می‌فرماید: هنری می‌تواند دینی باشد که بین طبیعت و فطرت هماهنگی برقرار کند؛ یعنی طبیعت را به سمت فطرت ببرد، بدن را تابع روح کند، روح را امام کند، بدن را مأموم روح کند و نه بر عکس که روح و فطرت را مأموم و تن را امام کند. پس کار و خلاقیتی که فطرت‌پذیر باشد، هنر دینی است و کسی که چنین خلاقیتی دارد، هنرمند دینی است⁶. «با این تعاریف هنر دینی، هنری است که پیام الهی را به بشر منتقل می‌سازد و فراتر از زمان و مکان است و ریشه در عالم تجرد و دیار مرسلات و ساحت‌های برین هستی دارد و از عالم بالا ریشه گرفته و در جهان جسمانی، خود را متجلی می‌سازد، اما هنری انتزاعی و بریده از واقعیت‌ها نیست که یکسره به لاهوت بپردازد و از ناسوت و زندگی روزمره غافل شود، بلکه ریشه در واقعیت دارد و از فریب به دور است. پس هنر دینی، عبارت است از معرفتی که تماماً در صورت خیالی جلوه می‌کند. در این مقام هنرمند از پرتو مشکات نبوت به اقتضای طبع و ذوق و الهام شاعرانه‌ی خویش بهره‌مند است. در این جا هنر دینی مظهر وحی نبوی می‌شود و در ذیل آن به ظهور می‌آید و فرع بر آن است، چنان که گفته‌اند مقوم هنر دینی و عرفان، وحی دل است که پرتویی از مشکات نبوت و وحی آسمانی است. به همین اعتبار هنر و هنرمندی به معنی عام در تمدن اسلامی عبادت و بندگی و سیر و سلوک از ظاهر به باطن است»⁷. «هنرمند با سیر و سلوک معنوی خویش باید از جهان ظاهری که خیال اندر خیال و نمود بی بود و ظلال و سایه و عکس است بگذرد و به ذی عکس و ذی ظل برود و قرب بی‌واسطه به خدا پیدا بکند»⁸.

چشم‌انداز در هنر دینی

«هنر در ادیان مختلف و از جمله دین مبین اسلام، از جایگاهی بس رفیع و قابل تأمل برخوردار است. می‌توان به جرئت بر این نکته تأکید کرد که هنر و هنرمند در هیچ مکتب و مذهبی به اندازه‌ی اسلام مورد تکریم و تقدیر قرار نگرفته است. برای درک ارزش هنر در اسلام، نخستین گام، شناخت کتاب آسمانی این دین الهی یعنی قرآن کریم می‌باشد که معجزه‌ی راستین حضرت خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی(ص) است»⁹. «تفکر اسلامی و کل عالم آن رجوع به اسم «الله اکبر» دارد. جهان در تفکر اسلامی جلوه و مشکات انوار الهی است، و حاصل «فیض مقدس» نقاش ازلی، و هر ذره‌ای و هر موجودی از موجودات جهان و هر نقش و نگاری و هر شیئی و امری مظهر اسمی از اسماء الهی است. در میان موجودات، انسان مظهر جمیع اسماء و صفات و گزیده‌ی عالم است»¹⁰. «بی‌گمان حمایت پیامبر اسلام (ص) از هنر متعهد و از هنرمندان مسئول، سنگ اولیه‌ی بنای رفیع هنر شکوهمند اسلامی به شمار می‌آید؛ هنری که دارای پیامی آسمانی است و در آن به تعالی انسان، عنایت ویژه‌ای مبذول شده است»¹¹.

«از نگاه هنرمند مسلمان، سرچشمه‌ی جوشان هنر، ذات مقدس باری تعالی است و هنرمند هیچ‌گاه در پیمودن این راه نباید به خویش مغرور گردد و فراموش کند که از کجا سیراب می‌شود. از دیگر نتایج و ثمرات نگرش پیوند هنرمند با ماوراءالطبیعه، فروتنی و تواضع هنرمند است که خود را همچون برانگیخته‌ای می‌داند برای بیان پیامی والا و بزرگ، و نیز می‌داند که در این مسیر تنها در سایه‌ی لطف آفریدگار یکتاست که او می‌تواند همچنان به پیش برود و مرزهای تازه‌ای را تجربه نماید و روایتگر مفاهیم بکر و بدیع باشد و به اسرار عالم دست یابد و توان ترسیم و انتقال آنچه را که در دل و اندیشه او می‌گذرد، به دست

آورد. پس بدین گونه است که همواره دل در گرو لطف حضرت حق دارد و شاکر آستان مقدس اوست، که هر چه هست از اوست»¹².

«از سوی دیگر، بدون شک عالم یکسره تجلی هنر خداست و خداوند هنرمند کل است و در سایه‌ی نظر پربرکت اوست که آثار خلق شده توسط هنرمند بر دل می‌نشیند و قلب و روح دیگران را تسخیر می‌کند. از دیگر نکات قابل تأمل، تلاش عاشقانه، مخلصانه و بدون چشمداشت هنرمندان در طریق جلب رضای معبود است که سزاوار است به این امر فراتر از آنچه در این باب ذکر گردید، نگریسته شود. آنچه ذکر گردید در حقیقت وجه اول وظایف یک هنرمند مبلغ دین است. یعنی سیر الی الله و غور در صفات الهی و کسب معارف و شناخت حقایق دین، اما آنچه که وجه دوم وظایف هنرمند دینی محسوب می‌شود چگونگی ارائه‌ی موضوعات و معارف دین در اثر هنری است. از سویی هنر یک مبلغ دینی، این است که عشق به گوش فرا دادن مطالب را در مخاطب ایجاد نماید و از این رهگذر، عشق به دین، به معنویت، به پروراندن روح و تغذیه‌ی صحیح روح را در مخاطب ایجاد نماید؛ به گونه‌ای که با ایجاد تحول و دگرگونی در شخص، او را عملاً وارد عرصه‌ی صحیح زندگی و زیستن نماید»¹³.

«هنرمند در چنین تفکری در مقام انسانی است که به صورت و دیدار و حقیقت اشیاء در ورای عوارض و ظواهر می‌پردازد. او صنعتگری است که هم عابد است و هم زایر؛ او چون هنرمند غیرقدسی با خیالاتی که مظهر قهر و سخط است سروکار ندارد. وجودی که با اثر این هنرمند ابداع می‌شود، نه آن وجود شبه‌قدسی هنر اساطیری و الهگان میتولوژی است، بلکه وجود مطلق و متعالی حق عزشأنه و اسماء الله الحسنى است که با هنر به ظهور می‌رسد»¹⁴.

نمونه‌هایی از وظایف هنر دینی

درباره‌ی وظایف هنر دینی می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

1. تذکر و یادآوری؛
2. آرامش؛
3. توجه به آخرت و عدم تمرکز بر دنیا؛
4. اصلاح هنر دیگران؛
5. قدرت تحول انگیزی؛
6. جهت دهنده‌ی به انسان‌های معتقد؛
7. پرواز به لایتناهی؛
8. واکنش فعال در برابر تحولات و وقایع اجتماعی؛
9. دفاع از مظلومان جهان و عدالت جهانی؛
10. مبارزه با ظلم و بی عدالتی؛
11. شکوفایی استعدادها، قدرت آفرینندگی و خلاقیت؛
12. نشان دادن راه و بیراهه.

«پس باید گفت خصایص هنر دینی به طور کلی عبارت است از: ارائه‌ی برنامه یا عملکردی که دارای این خصایص باشد: خلاقیت، هشیاری‌بخشی، بیدارکنندگی، سازندگی، جهت‌دهی، اعتلابخشی، ایجاد روح قوی، شجاعت و شهامت و زنده‌کننده‌ی تمایلات انسان به اوج‌گیری»¹⁵.

الگو در قلمرو هنر مکتبی (دینی)

«هنرمند دوره‌ی جدید، حسن و جمال اصیل و حقیقی را نیست می‌انگارد و فراموش می‌کند و تنها حسن و جمال ظاهری انسان و متعلقات او را می‌بیند، در حالی که حسن و جمال آدمی و دیگر موجودات، همه حکایت از حسن و جمال احدی دارد»¹⁶. «در اینجا هنرمند در جهانی دوگانه و اختلاطی گرفتار آمده که نه در زمین ریشه دارد و نه در آسمان. بشر غفلت‌گرفته‌ی امروز، سخت محتاج این یادآوری و تذکر عهد است و رسالت سنگین هنرمندان مسلمان در همین آماده‌سازی و بیدارگری و آشتی و آشنایی آدمی با خدا است. پیام معنوی هنر و کارکرد معنوی مهم آن همین است: زنده نگه داشتن آرمان‌های والا و هدف حیات و ارتباط بشر با خدا در روزگار مرگ ارزش‌ها و هجوم و غلبه‌ی مادی‌گری، ددمنشی و اهرمن‌خویی و بدسگالی، احیای روحیه‌ی ایثار در روزگار سودپرستی و بهره‌کشی و سرمایه‌سالاری، هدفمند ساختن زندگی در مقابل امواج سهمگین پوچ‌انگاری و الحاد و دور شدن از خدا»¹⁷. «هنری که متعهدانه با مسائل انسانی برخورد کند و دعوتی دائمی به آنچه که «باید باشد» بکند، مشتری کمتری دارد. زیرا تمایلات مردم به هوس‌ها، که غالباً در آنچه «هست» بیشتر یافت می‌شود، افزون‌تر است و رفتن به سوی آنچه که باید باشد، شنا در جهت مخالف رود است و این گرچه مشکل است ولی هنر در همین است. پیروی کردن از میل اکثریت، در ارائه‌ی کار هنری، فدا کردن ارزش در پای روزمره‌گی‌هاست.

هنر متعهد مکتبی باید بر فراز اقلیت و اکثریت و تمایل مردم، آنچه را که ارزش است و «باید» باشد، با استفاده از شیوه‌های مختلف بیان کند¹⁸. «مکتب، چشم‌اندازی زیبا برای آینده‌ی جامعه‌ی بشریت ترسیم می‌کند و افق‌هایی رو به خدا پیش روی انسان می‌گشاید و همیشه در تلاش تا رسیدن به خداست. «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه...»¹⁹. «نه تنها وظیفه‌ی هنر مکتبی، بلکه اساس هر هنرمند متعهد است که به جای تنزل کردن به سطح عوام و در نتیجه از دست دادن آن حقیقت ذاتی خود، باید انسان‌ها را تعالی بخشد و زمینه‌ی صعودشان را فراهم سازد. هنر مکتبی باید حالت استخراج‌کننده‌ی

ارزش‌ها و استعداد‌های نهفته در وجود افراد را داشته باشد. انسان، گنج است، و تیشه‌ی فرهادی باید، تا از صخره‌ی وجود آدمی، پیکره‌ای متعالی بسازد»²⁰.

«استاد محمد تقی جعفری، با عنوان کردن «هنر پیرو و پیشرو» می‌گوید: «... هنر پیرو، عبارت است از توجیه شدن نبوغ و فعالیت‌های عقلانی و احساساتی هنرمندان به سوی خواسته‌ها و تمایلات و دریافت‌های معمولی مردم. هنرمند پیشرو دنباله‌رو تفکرات و استخراج حقایق ناب از میان آن‌ها و قرار دادن آن در مجرای «حیات معقول» با شکلی جالب و گیرنده است. این گونه هنر «آنچه هست» را به سود «آنچه باید بشود» تعدیل می‌نماید. ما این هنر را جلوه گاه تعهد و به وجود آورنده‌ی آن را هنرمند متعهد می‌نامیم. به وجود آورندگان آثار هنری پیرو، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، وظیفه‌ی خود را در آن می‌بینند که هر چه بیشتر مردم را وادار کنند که از اثر هنری آنان لذت ببرند و کاری با آن ندارند که بر آگاهی‌ها و شایستگی‌ها و بایستگی‌های حیات بیفزایند. در حالی که هنر پیشرو با یک اثر هنری می‌تواند کلاس درس برای مردم جامعه عرضه کند که در این کلاس، معلم و مربی و کتاب و محتوا، یک حقیقت است که عبارت است از همان اثر هنری...»²¹.

هنر دینی و مسئله‌ی ارزش‌ها

در جامعه‌ی اسلامی و به طور کلی در جامعه‌ی دینی، ارزش‌ها را دین تعیین می‌کند. هر اندازه که دین در باورهای ما، اساس زندگی به شمار می‌آید، به همان اندازه ارزش‌های ما، ارزش‌های دینی است. «در صورتی که هنر، برترین ارزش شناخته شود، به ناچار ارزش‌های اخلاقی جامعه باید در خدمت هنر باشد و در این صورت، دیگر ارزش‌ها متأثر از هنر خواهند شد و چنانچه برعکس باشد و هنر در خدمت ارزش‌ها و باورهای اخلاقی قرار گیرد، ما با هنر ارزشی و اخلاق‌گرا روبه‌رو خواهیم بود که می‌تواند در ترویج ارزش‌های فرهنگی جامعه نقش به‌سزایی داشته باشد»²². «طبق این نظر، هنر، کنیزک اخلاق است؛ هنر وقتی مقبول و حتی مطلوب است که اخلاق را ترویج می‌کند، ولی وقتی چنین نمی‌کند، نامقبول و نامطلوب است. هنر می‌تواند به مردم اندیشه‌های نادرست بدهد؛ می‌تواند آنها را مشوّش و ناآرام سازد..

نظری که دقیقاً مخالف با این نظر است، نظر زیباشناسان است که بر طبق آن، اخلاق، کنیزک هنر است. طبق این نظر، تجربه‌ی هنر، بزرگ‌ترین تجربه‌ی موجود برای بشر است و هیچ چیز نباید مزاحم آن شود. اگر مغایر با اخلاق است، بدا به حال اخلاق و اگر توده‌ها قدر آن را نمی‌شناسند یا تجربه‌ای را که آن عرضه می‌کند، نمی‌پذیرند، بدا به حال توده‌ها. شدت تجربه‌ی زیباشناختی، بزرگ‌ترین مقصود در زندگی است و بنابراین، حتی اگر در هنر تأثیرات اخلاقی نامطلوبی وجود داشته باشد، آن‌ها در مقایسه با این تجربه بسیار مهمی که فقط هنر می‌تواند بدهد، واقعاً هیچ اهمیتی ندارند»²³. «انسان با بهره‌گیری از خصیصه‌ی انتخاب و گزینش که در اوست می‌تواند رو به کمال مطلق و تا خدا گونه شدن پیش رود و یا در اثر سوء انتخاب، به پستی و تباهی سقوط کند. انتخاب، حربه‌ی دو دمی است که انسان در سایه‌ی کیفیت استفاده از آن، مایه‌ی «وجود» خویش را در جهت خوب یا بد، شکل می‌دهد. انسان، در آفریدن لحظات «هبوط» یا «عروج» نقش دارد و با انتخاب می‌تواند حالات سقوط یا اوج‌گیری، میخکوب شدن به زمین (به تعبیر قرآن: اخلاذ الی الارض) یا درخشندگی به نور الهی را برای خود فراهم آورد»²⁴.

وجوه مختلف هنر دینی (صورت و معنا)

«هنگامی که با یک اثر هنری روبه‌رو می‌شویم، یک شکل ظاهری و صورتی در برابر ما قرار می‌گیرد که وسیله‌ی انتقال محتوای خاصی است که هنرمند در پی بیان آن است و این ساختار (صورت)، هرگز از محتوا جدا نیست. در حقیقت، در صورت وجود محتوا، این شکل و صورت، تجسم فیزیکی و ماده‌ی آن محتواست. در دینی و غیردینی بودن هنر، همه اتفاق نظر دارند که محتوای هنر باید دینی باشد، ولی در مورد صورت و فرم، برخی آن‌را در دینی و غیردینی بودن هنر دخیل نمی‌دانند و از آنجا که محتوا هرگز جدا از صورت نیست، بنابراین، فقط هنری دینی است که صورت و فرم آن نیز هم‌خوان با دین باشد. در مورد قالب‌های هنری و اینکه قالب و ماده‌ی هنری با دین چه رابطه‌ای دارد، برخی بر این باورند که قالب‌های هنری نسبت به دین حالت خنثی دارند، ولی در حقیقت، نمی‌توان در مورد قالب‌ها، حکم کلی صادر کرد. باید گفت برخی قالب‌ها با مفاهیم و معانی دینی، بهتر ارتباط برقرار می‌کنند و برخی دیگر، قابلیت تحمل اندیشه‌ها و معانی دینی را ندارند»²⁵.

«در زمینه‌ی ماده و قالب کار هنری، یک نظر دیگر این است که ماده‌ی کار هنری نسبت به دین حالت خنثی دارد و دینی و غیردینی بودن هنر را محتوای آن و صورتی که به خود می‌گیرد، شکل می‌دهد. نظر شهید آوینی چنین برداشتی را تأیید می‌کند. ایشان می‌نویسد: «از آنجا که «ماده‌ی کار هنری» حرکت، طرح، رنگ، حجم، کلمه و صدا، از ساختار معین وجود بشر در رابطه‌ی خاصی که با طبیعت دارد، ریشه گرفته، بنابراین، در تمدن‌های گوناگون و در میان همه‌ی اقوام، ماده‌ی هنر مشترک بوده و تمایزات ماهوی تمدن‌ها در صورت هنر، به مفهوم منطقی آن جلوه می‌کرده است... در این عالم جدید که طلیعه‌ی آن از هم‌اکنون در سراسر جهان و به‌ویژه در عالم اسلام پدیدار شده است، ماده‌ی هنر اگر چه همان است که هست، مجسمه‌سازی و نقاشی (طرح و رنگ و حجم)، شعر و داستان (کلمه) و موسیقی (صدا)، ولی در صورتی که این ماده، هنر پذیرفت، تغییرات وسیع روی خواهد نمود»²⁶.

نتیجه‌گیری

هزاران سال است که فلاسفه و نظریه‌پردازان و اهل ادب و هنر، در تعریف هنر و معنای آن به زعم خویش چه سخن‌ها که نگفته و چه تعاریف که بر برگ‌های این کتاب قطور نیفزوده‌اند و افسوس که هنوز نیز بیش از پیش انسان این عصر، سرگشته و حیران و گم کرده معانی، در حسرت یک کلام جادویی، یک راه درست و بی‌راهزن، طی طریق می‌کند. در عصری که نبایدها همه باید

شده است و بی‌عدالتی‌ها، کژی‌ها، پوچی و بی‌اعتقادی گریبان انسان معتقد دیروز را نیز گرفته است، تنها یک راه می‌تواند مرحمی بر آلام این انسان رنجور و بی‌پناه و وامانده باشد و آن راه بازگشت دوباره به خداست. از آنجا که هیچ قلم و خطیبی یارای مقابله با هنرها و تأثیرات عمیق و شگرف یک اثر هنری شایسته و بایسته را ندارد، اینجاست که اهمیت و منزلت یک دانای آشنا به راه و مرشد حکیم که ابتدا در مکتب حق، مشق عشق نموده و سپس با طهارت در جرگه‌ی اهل هنر پدیدار گشته است و هنرآفرینی می‌کند، بیش از پیش ضرورت می‌یابد.

چنین کسی نه فقط در جایگاه والای یک هنرمند، بلکه در لباس یک منادی رهابخش بشریت، به وظیفه و تکلیف انسانی خود که محصول رسیدن به نور و حقیقت و آگاهی است، عمل می‌نماید. این هنرمند معناشناس و اصیل که فقط خود را در برابر آن یگانه آفریدگار و معبود خویش، حی و حاضر می‌بیند، در تلاش است که با آفرینش اثری متعهدانه و تعالی‌بخش، انسان معاصر را از چنگ هجوم مسلسل‌وار و بی‌وقفه‌ی هنرهای بی‌ریشه و بنیان‌برافکن که بر پایه‌ی شهوت و خشونت و مصرف‌گرایی و پوچی و یاس و ترس و شک پی‌ریزی شده‌اند، برهاند و به اصل خویش بار دیگر متذکر کند. باشد که بر پایه‌های مستحکم این هنر متعهد و معنوی، آرامش و عدالت و مهر و امید و ایمان بار دیگر بر قلب آدمی سایه افکند. سخن کوتاه باید کرد و برخیزیم و دست در دست هم در این ظلمت بی‌پایان شمع‌ی بی‌افروزم و طرحی نو دراندازیم، پیش از آن که نوشدارو به بالین سهراب بریم.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- پازوکی، مبادی عرفانی هنر و زیبایی: 1
- 2- علوی‌نژاد، پایگاه حوزه، صفحه‌ی 72.
- 3- مقاله‌ی جستاری در هنر دینی، سایت راسخون.
- 4- همتی، هنر دینی و کارکردهای اجتماعی آن.
- 5- سالاری، پژوهش حوزه، شماره‌ی 24
- 6- جوادی آملی، هنر و زیبایی از منظر دین، ص 43.
- 7- مددیور، ص 273.
- 8- سالاری، پژوهش حوزه، شماره‌ی 24.
- 9- فدایی حسین، بررسی نقش هنر در تبلیغ دین.
- 10- مددیور، حقیقت و هنر دینی، صفحه‌ی 368.
- 11- شرف شاهی، هنر اسلامی و جایگاه آن و قابلیت‌های آن.
- 12- فدایی حسین، بررسی نقش هنر در تبلیغ دین.
- 13- همان.
- 14- سالاری، پژوهش حوزه، شماره‌ی 24.
- 15- جعفر رحمانی، شاخصه‌های هنر دینی.
- 16- مددیور، حکمت معنوی ساحت هنر، صفحه‌ی 347.
- 17- همتی، هنر دینی و کارکردهای اجتماعی آن.
- 18- محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص 103.
- 19- همان، صفحه‌ی 99. سوره‌ی انشقاق، آیه‌ی 6.
- 20- همان، صفحه‌ی 101.
- 21- محمدتقی جعفری، نگاهی به فلسفه‌ی هنر، صفحات 17 و 14.
- 22- مقاله‌ی جستاری در هنر دینی، سایت راسخون.
- 23- بیردزلی، تاریخ و مسائل زیباشناسی، صص 126 و 127.
- 24- محدثی، هنر در قلمرو مکتب، صفحه‌ی 94.
- 25- مقاله‌ی جستاری در هنر دینی، سایت راسخون.
- 26- آوینی، 1377، ص 105.

منابع و مأخذ:

الف- کتب:

- 1- آوینی، سیدمرتضی. (1377). مبانی نظری هنر. مؤسسه‌ی انتشارات نبوی.
- 2- اتو، رودلف. (1380). مفهوم امر قدسی (پژوهشی درباره‌ی عامل غیرعقلانی مفهوم الوهیت و نسبت آن با عامل عقلانی). ترجمه‌ی همایون همتی. انتشارات نقش جهان، چاپ اول.
- 3- بوركهارت، تیتوس. (1381). هنر مقدس. ترجمه‌ی جلال ستاری. نشر سروش، چاپ سوم.
- 4- بینی‌مطلق، محمود. (1385). نظم و راز. نشر هرمس، چاپ اول.
- 5- جعفری، علامه محمدتقی. (1375). فلسفه‌ی زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. انتشارات وزارت ارشاد، چاپ سوم.

- 6- مددیور، محمد. (1388). حقیقت و هنر دینی؛ نظری به مبانی نظری هنر، شعر، ادبیات و هنرهای تجسمی دینی. نشر مهر.
- 7- مددیور، محمد. (1381). حکمت معنوی ساحت هنر. نشر مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- 8- محدثی، جواد. (1374). هنر در قلمرو مکتب. نشر مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم.
- 9- محدثی، جواد. (1368). هنر مکتبی. نشر بوستان کتاب قم.
- 10- نصر، سید حسین. (1349). مطالعاتی در هنر دینی، زیر نظر سید حسین نصر و با چهار مقدمه از او، تهران، سازمان جشن هنر شیراز.
- 11- بیردزلی، مونرسیو وهاسپرس، جان. (1376). تاریخ و مسایل زیباشناسی. نشر شهر کتاب، تهران.

ب- مقالات

- 1- پازوکی، شهرام. (1382). مقدماتی درباره‌ی مبادی عرفانی هنر و زیبایی در اسلام، مجله‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی 15، پاییز.
- 2- سالاری، مظفر. (1384). گفت و گو با فصلنامه‌ی پژوهش و حوزه‌ی شماره‌ی 23-24، صفحه‌ی 292، پاییز و زمستان.
- 3- شرف‌شاهی، ک. ک. (1384). «هنر اسلامی و جایگاه آن و قابلیت‌های آن»، روزنامه‌ی قدس، 15 آذرماه.
- 4- علوی نژاد، س. ح. «نسبت دین و هنر»، نگاه حوزه، شماره‌ی 72.
- 5- نصر، سید حسین. (1380). هنر قدسی در فرهنگ ایران، ترجمه‌ی آوینی، نشریه‌ی هنر دینی.

ج- منابع اینترنتی

- url 1
http://noorportal.net/ 1/ 67/ 69/ 31632.aspx
- 1- نام مقاله: هنر دینی و هنر غیر دینی، به نقل از سایت نورپورتال، مورخ دوشنبه 12 بهمن 1388
url2
http://www.hawzah.net/Hawzah/Articles/Articles.aspx?Languageid=1&id=79876&SearchText=%22%D9%87%D9%86%D8%B1%22
- 2- نام مقاله: رابطه‌ی متقابل دین و هنر (2)، محمد تقی زاده، منبع: مجله‌ی هنر دینی، شماره‌ی 9
url 3
http://www.artqom.ir / Defaul.aspx ? page = 6689 & section = litem&mid = 17518 & id = 29994
- 3- نام مقاله: شاخصه‌های هنر دینی، دکتر جعفر رحمانی، معاون فرهنگی هنری حوزه‌ی هنری استان قم
url 4
http://www.rasekhoon.net/Article/Culture/Art/Other/Show-22910.aspx
- 4- نام مقاله، هنر دینی و کارکردهای اجتماعی آن، همایون همتی، مورخ دوشنبه 19 اسفند 1387.
url 5
http://www.honarnews.com/ index.aspx ? sitieid = 18 pageid = 145 &newsview = 6775
- 5- نام مقاله: بررسی نقش هنر در تبلیغ دین، سید حسین فدایی، مورخ پنج شنبه 24 دی 1388.
url6
http://www.tebyan-zanjan.ir/papers/subpapers.aspx?id=185&category=AR
- 6- نام مقاله: تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، محمد مددیور
url7
http://www.Rasekhoon.net/article/show-19476.aspx
- 7- نام مقاله: جستاری در هنر دینی، به نقل از سایت راسخون، بدون ذکر نام نویسنده
url8
noormags.com/view/fa/articlepage/318586
- 8- نام مقاله: هنر و زیبایی از منظر دین، آیت الله جوادی آملی، پایگاه اطلاع رسانی نور، به نقل از نشریه‌ی فرهنگ و هنر «هنر دینی»، شماره‌ی 21 و 22
*نویسنده: صدرا امیرسرداری کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر
منبع: فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدرا، شماره 10.